همه نویسنده شده اند

[علی حسینی]

ایتالو کالوینو نویسنده شهیر ایتالیایی در کتاب «چرا باید کلاسیک ها را خواند» می‌نویسد: «همه نویسنده شده اند، دیگر خواننده نداریم!» موضوع غم‌انگیزی که نه تنها اهالی فرهنگ در کشور ما بلکه در سراسر جهان از آن گله دارند.؛ چرا کتاب نمی‌خوانید؟ آیا سخت تر از آن است که ساعت ها در پارک بنشینید و به نوک درختی زل بزنید و یا با دوستانتان بر سر موضوعاتی پیش پا افتاده مثل مدل گوشی تان یا نحوه پخت عالی قرمه سبزی بگو مگو کنید؟ اگر دغدغه شما قرمه سبزی است، ما به شما کتاب آشپزی را پیشنهاد می کنیم، هدیه ای عالی برای همسرتان. آه ببخشید چه زود سخن کالوینو را فراموش کردیم: شما نویسنده‌اید و نیازی به خواندن ندارید.

بحران بین المللی کتاب نخوانی و یا فرهنگ جهانی کتاب نخوان ها، معضلی چندسویه است – اگر بتوانیم معضل بنامیم- که هر یک از کارشناسان عرصه فرهنگ – البته در کشور ما – آن را از زاویه ای خاص بررسی می کنند، برخی اعتقاد دارند این پدیده ریشه در مسائل اقتصادی و تنگناهای مالی مردم دارد:

«فرهنگ مطالعه و ارج نهادن به مقام نویسنده – هنرمند حتی کسانی که کتاب را خطاطی می کردند‌اند و یا هنر صحافی داشته اند، از دیرباز در کشور ما به شکل پررنگی وجود داشته و لازم به گفتن نیست که اگر غیر از این بود ما دوره های طلایی، رشد علم، فلسفه و هنر را نداشتیم. از این گذشته آدم های درسخوان و مکتب رفته و کتابخوان هم همیشه جایگاه ویژه ای در کشور ما داشته‌اند؛ چرا که اساسا این موضوع، موضوعی دوسویه است و حالت بده- بستان دارد. یعنی اگر خریدار کتاب و خواننده کتاب وجود نداشته باشد که نویسنده هم به همان اندازه رشد و ترقی نخواهد کرد و بالعکس، پس اگر ما آثار عظیم تاریخی همچون شاهنامه فردوسی، مثنوی معنوی، کلیله و دمنه و... را داریم دقیقا به این معناست که مصرف کنندگان آن‌هم به همان بزرگی و عظمت وجود داشته اند.»

ابوالفضل شاهمرادی کارشناس مسائل فرهنگی می افزاید:«جز این رابطه دوسویه به یک نکته اساسی دیگر هم می توان اشاره کرد و آن این که به طور حتم اگر فردوسی‌ها و سعدی های فراوانی وجود نداشته باشد یک نفر در میان آنها نمی‌تواند فردوسی و سعدی شود. یعنی پروسه تولید هنر، فرهنگ و دانش اینگونه نیست که یک نفر پیدا شود که هزار سال از قوم خود پیشی بگیرد بلکه مجموعه ای از هنرمندان، نویسندگان و اندیشمندان باید در یک مقطع زمانی حضور داشته باشند تا یک استعداد درخشان از میان آنها از همه جلو بزند.»

تحلیل این کارشناس فرهنگی به این سمت و سو اشاره دارد که در فرهنگ ایرانی جایی برای کرختی، تنبلی و عقب ماندگی در تولید فرهنگ، هنر و دانش نیست و چنانچه در یک مقطع تاریخی، فرهنگ نازیبای کتاب نخوانی هم توانسته است رشد کند و اندکی فربه تر شود ریشه‌های آن را نباید در فقر فرهنگی و فقر تاریخی بلکه باید در فقر اقتصادی جست وجو کرد: «متأسفانه امروزه کالایی به نام کتاب کمتر در سبد مصرفی خانوارها جای دارد و دلیل عمده آن هم تنگناهای مالی است. البته باید توجه هم داشت که خواص جامعه ما هنوز کتابخوان هستند به این دلیل که می توانند در حد معقولی مدیریت اقتصادی داشته باشند. در مواردی هم می‌توان به آدم های ویژه ای اشاره کرد که اگرچه امکان دارد از خانواده های ضعیف تر باشند اما به این خاطر که اهمیت فوق العاده ای برای مطالعه و کتاب و کتابخوانی قائل هستند از هزینه های دیگر زندگی می زنند تا بتوانند کتاب بخرند.»

مقایسه تیراژ کتاب ها و عناوین آنها نشان می دهد از نظر تنوع عنوانی، چیزی از استانداردهای بین‌المللی کم نداریم. به عبارت دیگر در هر حوزه شاهد چاپ و نشر انواع کتاب ها در داخل کشور هستیم. حتی برخی اعتقاد دارند در زمینه های خاصی می توانیم مدعی باشیم که از بسیاری کشورهای توسعه یافته هم جلوتریم. به عنوان مثال در کمتر کشوری همچون ایران می توان این همه فراوانی ترجمه ادبی یافت و به همان نسبت کارشناسانی که هر کدام شناخت خوبی از ادبیات و هنر قاره‌ها و کشورهای مختلف دارند. اما متأسفانه وقتی به تیراژ می رسیم وضعیت ناامید کننده است. یعنی زمانی که تیراژهای نهایتاً ۳ هزار جلدی با یا جمعیت ۷۰ میلیونی مقایسه می کنیم نتیجه دیگرگونه می شود. برخی اعتقاد دارند این معضل را باید میان ناشران جست و جو کرد نه مخاطب. چرا که همان کتاب ۳ هزار جلدی گاه چندین مرتبه تجدید چاپ می شود اما ناشر برای سود بیشتر چاپ اول را با تیراژ پائین تری روانه بازار می کند.

به همین دلیل عده ای معتقدند تسهیلات خاص در زمینه کتاب نباید در اختیار ناشر قرار گیرد و بالعکس دولت می تواند این تسهیلات را در اختیار مخاطب بگذارد که بن کتاب بخشی از همین سیاست است و در عین حال خرید کتاب از ناشر برای کتابخانه ها نیز در راستای سیاست های حمایتی از ناشران به شمار می رود.

کتاب سازی

انبوه ناشران غیرحرفه ای برای سرپا ماندن و ادامه حیات خود مدام به بحران جهانی کتاب نخوانی دامن می زنند؛ آنها کتاب خوب چاپ نمی کنند تا مردم بخوانند. بسیاری از نویسندگان طراز اول دنیا برای کمک به این ناشران و جلوگیری از پدیده رایج «کتاب‌سازی» حاضرند در مقابل قراردادی صوری و بدون دریافت هیچ حق التألیفی کتاب خود را برای چاپ یا ترجمه به آنها بسپارند که پدیده ای رایج است.

کتب سازی در کشور ما نیز رواج دارد که مخاطب کتاب را مجبور می کند برای رفع نیازهای خود به منابعی غیر از بازار کتاب پناه ببرد و یا در خوشبینانه‌ترین حالت به سراغ همان چند جلد کتابی برود که در خانه دارد. به هر حال در هر خانه ای دیوان حافظ یا دوبیتی‌های باباطاهر برای خواندن پیدا می شود.

کتاب سازی پدیده ای است که در آن تولید دانش مطرح نیست. کتاب سازها – چه ناشر و چه مؤلف – حتی گاه به فکر بازار عام کتاب های خود هم نیستند: یا سفارش سرهم کردن آن را پیشاپیش گرفته اند و یا به دنبال منافع دیگری هستند. در این آثار می توان با یک تحقیق صوری و یا اندکی دستکاری در اندیشه دیگران و یا حتی کنار هم چیدن تولیدات دیگران به صورت کولاژ به کتاب جدیدی دست پیدا کرد. همچنین یک کتاب را به چند کتاب تجزیه کرده و در مجلدهای متعدد چاپ کرد و یا بالعکس چند کتاب را کنار هم قرار داد و تبدیل به یک کتاب نمود. چیزی شبیه تردستی و شعبده بازی آشکار.

دکتر کامران شایان فر کارشناس مسائل فرهنگی در این باره می گوید:«من معتقد نیستم که کشور ما دچار بحران مخاطب شده است اما به این موضوع اعتقاد دارم که به دلیل افت سطح کیفی کتاب ها، مخاطبین به منابع دیگری برای مطالعه پناه می برند. این پناه بردن را به دو شق سنتی و مدرن می توان تقسیم کرد، در بخش سنتی، خواندن کتاب های پایه کلاسیک همچون شاهنامه، حافظ، مولانا و بسیاری از منابع دینی که پیش از این نگاشته شده را می توان مثال زد. به علاوه بسیاری از مخاطبین هم برخی نیازهای خود را از منابع شفاهی برآورده می سازند که البته این بخش در حال کم رنگ شدن است.» وی در ادامه می افزاید: «شکل دیگری از منابع مطالعه که می‌توان آنها را منابع مدرن نامید، خاص نسل های جوانتر و متخصصین و کارشناسان است. این منابع شامل اینترنت و مطبوعات می شود که اغلب جای کتاب را پر می کند و بسیاری بر این باورند که این گونه منابع ارزش مطالعه ای بیشتری نسبت به کتاب های تولید امروز دارند. همچنین قشر خاص هم از منابع خارجی ارتزاق می کنند و به هر حال در یک جمع بندی کلی می توان گفت که ما دچار بحران مخاطب نیستیم اما کتاب ارزشمند برای خواندن کمتر پیدا می شود.

باید این موضوع را هم یادآور شویم که رابطه مخاطب و کتاب یک رابطه دوسویه است. بنابراین اگر ما در زمینه مخاطبین کتاب دچار بحران هستیم باید گفت در زمینه تولید کتاب هم گرفتار بحرانیم.»

کتاب های بازاری

برخی کارشناسان اعتقاد دارند باید وجه تمایزی میان کتاب سازی و کتاب های بازاری قائل بود. چنانچه شایان فر در این باره می گوید: «کتاب امروزه یک کالای فرهنگی محسوب می شود و وقتی که می‌گوییم کالا یعنی در پروسه عرضه و تقاضا قرار گرفته و با معادلات اقتصادی می شود با آن رفتار کرد. این همان چیزی است که در اصطلاح به «اقتصاد فرهنگ» شهرت دارد یعنی تکثیر انبوه کالای فرهنگی، بازاریابی برای آن، توجه به نیاز مخاطب و نیاز روز جامعه و عرضه آن توسط شبکه های تخصصی. پس از این زاویه دید بازاری بودن یک کتاب معنای بدی نمی‌دهد ؛ کتاب بازاری کتابی است که نسبت به چنین معادلاتی پاسخ مثبت می دهد یعنی مخاطب آن وجود دارد و به همین منظور به تولید انبوه می رسد که خیلی هم خوب است.

اما در تحلیلی دیگر کتاب بازاری کتابی است که از عمق لازم برخوردار نیست و صرفا به دلیل آب و رنگی که دارد به فروش می رسد، مثل اکثر کتاب های کودکان.» وی معتقد است: «کتاب های کودکان از این جهت که مخاطبین آنها سن کمی دارند و نمی توانند به درستی تحلیل محتوایی داشته باشند، صرفا با رنگ و لعاب سطحی می توانند در بازار موفق عمل کنند و این همان بلایی است که بر سر ادبیات کودک ما آمده است در حالی که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته شوراهای تخصصی بسیاری پروسه تولید کتاب کودک را نظارت می کنند و اتفاقا در این زمینه ها ممیزی‌های سفت و سختی وجود دارد. به عنوان مثال از نظر فرم، کتاب کودک نباید چروک شود یعنی به واسطه مواد پلاستیکی که در آن به کار رفته انعطاف پذیر است حتی در آب خیس نمی شود، کناره های کتاب نباید قابلیت برش دست و یا پاره کردن چشم را داشته باشد، شیرازه آن نباید پس از کوبیده شدن به دیوار از هم بگسلد و... در عین حال که از نظر رنگ و به ویژه محتوا هم همین نظارت ها وجود دارد و طبیعی هم به نظر می رسد چون کودکان خود نمی توانند کتاب خوب را از بد تمیز دهند.»

وی در ادامه می‌افزاید: «ما باید تکلیف خودمان را در مورد کتاب های بازاری روشن کنیم و به تعریف مشخصی برسیم چنانچه اگر این اتفاق بیفتد، می‌توانیم بگوییم یک کتاب بازاری استاندارد چگونه کتابی است ضمن آن که اگر این کتاب ها حتی از دسته دوم هم باشند یعنی محتوای چندان عمیقی نداشته باشند اما حداقل به لحاظ فرم کاملا حرفه ای طراحی شوند می‌توانیم امیدوار باشیم که مخاطب را به سوی خود جلب خواهند کرد و نباید هراسی بابت این موضوع داشته باشیم که مخاطبین به سمت چنین کتاب هایی کشیده شوند چون به هر حال انسان موجودی تعالی جوست و پس از آن که عادت به مطالعه کرد خود به خود راه تعالی را پیش خواهد گرفت و البته کتاب های بازاری نقش عمده ای در عادت دادن افراد نسبت به مطالعه دارند.»

با این همه هنوز برخی کارشناسان مهمترین عامل بحران مخاطب را توجه عمده بازار به کتاب های بازاری و کم عمق می دانند و این دست کتاب ها که در مجموعه بزرگ‌تری به نام کتاب سازی جای می گیرند یعنی اینکه همه نویسنده شده اند، دیگر خواننده نداریم.

بنگ جدول با دو شرح ۴۱۲۴

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرحها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

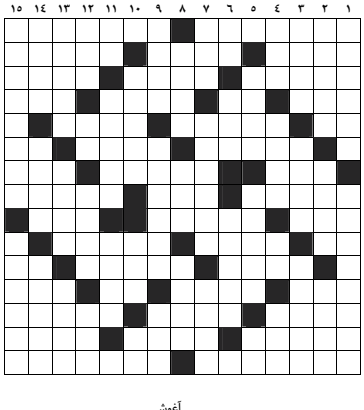

جدول عادی

افقی:

۱- از نقاط دیدنی استان مازندران - رمانی از گوستاو فلوبر فرانسوی
۲- پشیمان - سراینده - آشکار
۳- میل و رغبت - بزرگ - با پاخت آید
۴- ضمیر عربی - صاف و پوست کنده - رهایی - از شهرهای استان سرسبز مازندران
۵- گشاده - وسطی - مهربان‌تر از مادر
۶- از تیم‌های فوتبال ایتالیا - سوگ و عزا - باریکتر از آن نیست
۷- گاو تبتی - واحد پول نیجریه - جابه‌جا کردن چیزی
۸- هنرپیشه - بلدرچین - دلالن
۹- درخت انگور - خیابان گلکاری شده - جرقه آتش
۱۰- خرده سنگ - افسانه‌سرا - خدای هندی
۱۱- خواهان - گوشه‌نشینی - جمد مو
۱۲- شهری در مراکش - زاپاس - مخزن اسرار - مخفف من را
۱۳- تهمتن زابلستان - قسمت پائین گوش - پایان کار
۱۴- غوغا، آشوب - پیروان دین موسی - بیماری سگی
۱۵- محل ورزش‌های باستانی - چاشنی کاهو

عمودی:

۱- دلیر و مبارز - فتنه‌انگیز هم هست
۲- شهر ورزشی بلغارستان - طبقه اول اعداد - مرکز نروژ
۳- دست‌افزار، وسیله - ضد حمله - پوشیده و پنهان
۴- نشانه فعل استمراری - شهری در چرخ خیاطی - آب بند - حشره جهنده
۵- بدکار - صنعتی در شعر - نشانه جمع
۶- خودآرایی - آرزو - تکیه دادن
۷- همان هاگ است - نمک نشناس - زشت و ناپسند
۸- آشکار - جمع رأی - پیشوایان
۹- زین ساز - یک هزارم میلیمتر - خواهش نفس
۱۰- فقیر و بی‌چیز - شهر بادگیرها - راندن مزاحم
۱۱- زیر پا مانده - از قبایل وحشی - خرقه درویش
۱۲- قبیله‌ای در کنار خزرج - دریا - او را می‌شناسیم
۱۳- راه روشن
۱۴- شهری در مثلث - سیاستمدار هندی - پاسخ داده شده
۱۴- بی‌ادب - ثابت و برقرار - گریزان
۱۵- ورزش آبی - از شهرهای استان تهران

جدول ویژه

افقی:

۱- مکتبی که با مایه گرفتن از هنر و ادب یونان و روم باستان به وجود آمده - اثری از ماکسیم گورکی
۲- لقب هندو - طایفه‌ای از هند و اروپایی - الهه عقل
۳- کشوری در آسیا - کم، ناچیز - پارچه ابریشمی رنگین
۴- مرده - ماه سریانی - ابزار صیدماهی - پایتخت اتریش
۵ - قورباغه درختی - سرگشته - غلاف شمشیر
۶ - میخ عرب - خانم - تصدیق روسی
۷- مغاک - الهه نور یونان - حرف خوردنی
۸- سپهسالار قشون اشکانی که کراسوس سردار روم را شکست داد - موش رایانه‌ای - حاضر، مهیا
۹- ستاره سهیل - برتری، افزونی در علم - طایفه
۱۰- حشره موذی - همین حالا - پست الکترونیکی
۱۱- منزل بزرگ - پایتخت بحرین - آغوش
۱۲- مخفف الی آخر - خانه خدا - کتف - پسوند نگاه‌دارنده
۱۳- بریان و اشک ریزان بر آتش - بانگ جانور درنده - حرکتی در کاراته
۱۴- خار شتر - سازمان پیمان آتلانتیک شمالی - آزردگی، ناراحتی
۱۵- بیرون آوردن - پایتخت موریتانی

عمودی:

۱- دیکتاتور انگلیس - از ورزش‌های توپ و تور
۲- بی‌دین - کمان حلاجی - تن‌پوش، جامه
۳- مزد - پول آلمان - بخشش و کرم
۴- ستاره‌ای خرد - دندانساز - نشانه اسم مصدر - شالوده و بنیان
۵ - پشیمان - آسمان‌ها - فرتوت
۶ - ادات تشبیه - قیمت - از دست رفته
۷- ضمیر مفعولی - از شهرهای استان تهران - آلیاژی از مس و روی
۸ - دارای نقش و نگار - حلال همه مشکلات نیست - فراهم
۹ - استارت قدیمی - مدینه فاضله سعدی - بدبو و عفن
۱۰- ترعه، تنگه - گاو تبتی - ضمیر فرانسوی
۱۱- استخوان پای ستوران - تهیدست - کشیده شده
۱۲- منزلی در راه مکه - آب در لغت محلی - بی‌آن فطیر است - طناب تاب
۱۳- عنصر فلزی شماره ۷۵
جدول تناوبی - به هدف رسیده - بصیرت
۱۴- پرورش‌دهنده - دچار تردید - سازی زهی
۱۵- جایی که درماندگان را نگهداری می‌کنند - تقدیر

حل جدول عادی شماره ۴۱۲۳

حل جدول ویژه شماره ۴۱۲۳

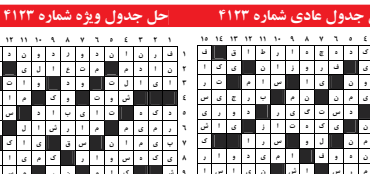

جدول اعداد سودوکو در صفحه ۱۱

آژانس های مسافرتی و هتل ها را امروز در صفحات ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ ببینید.